

## تحلیلی بر مصرف درآمد در روستاهای کشور (۱۳۶۳-۱۳۵۳)

متغیرهای مصرف و درآمد، از مهمترین متغیرهای اقتصادی بشمار میروند. این دو متغیر بر هر نوع سیاست گذاری اقتصادی تاثیر میگذارند و متقابلاً از آنها تاثیر می پذیرند. وظیفه محققان کشور است، که با تلاشی پایان ناپذیر، ابعاد مختلف بحث و فعالیت در رابطه با این دو متغیر را روشن ساخته، از آنها ابزار لازم جهت استفاده در سیاست گذاریها و برنامه ریزیها را فراهم آورند. اگر نتایج کاربردی چنین تحقیقاتی روشن گردد، بدون شک کمک مهمی برای مسئولین کشور از یکطرف و پژوهشگران کاربردی از سوی دیگر خواهد بود. این تلاشها جهت اساسی خواهد داشت:

اول اینکه، از نظر علمی باید با آخرین دستاوردها و پیشرفتهای علم اقتصاد در زمینه مصرف و درآمد همگام شد، تا جاییکه بتوان اندک اندک شریک این پیشرفتها گردید.

دوم اینکه، در توضیح و تحلیل پدیدههای مصرف و درآمد، نظریه یا نظریات متناسب را انتخاب و ارائه داد و نتایج پذیرش چنین نظریه ای نسبت به مصرف و درآمد را در سایر زمینه ها و نسبت به سایر متغیرهای اقتصادی کشور باز شکافت.

سوم اینکه، با استفاده از آمار و امکانات موجود در کشور و تجربیات اقتصادسنجی، درصدد بیان کمی روابط دو متغیر

در نظریه یا نظریات مورد نظر برآمد .

برای روشن شدن این نیاز ، طرح مشکل ذیل در رابطه با هر نوع سیاست مالی در کشور و نهایتاً " امر توسعه اقتصادی مفید است .

بر طبق نظریه " کینز " افزایش مخارج دولتی با ضریب فزاینده‌ای ، درآمد ملی را افزایش خواهد داد و افزایش درآمد ملی خود موجبات افزایش سرمایه گذاری ، اشتغال و افزایش بیشتر آنها فراهم میسازد . این نظریه و استدلال ، اساساً " مبتنی بر عملکرد ضریب فزاینده ( Multiplier ) در نظریه " کینز " است . ضریب فزاینده ، ضریبی است که خود تابع میل نهائی به مصرف (۱) در مصرف‌کنندگان است و در ساده ترین شکل خود برابر با عکس مابه التفاوت عدد یک از میل نهائی به مصرف است (۲) . هر چه میل نهائی به مصرف بزرگتر باشد ، قدر مطلق ضریب فزاینده نیز بیشتر است . بدان معنی که هر چه پاسخ مصرف‌کنندگان به تغییرات درآمد سریعتر و بهتر باشد ، امواج توسعه مصرف و درآمد زودتر و بزرگتر بوجود خواهد آمد . اما آیا چنین است ؟ آیا در هر برهه‌ای و در هر مکان و موقعیتی انتظار چنین پاسخ یا سرعت در پاسخی می رود و اگر اینچنین نیست ، سرعت و نوع پاسخ به چه عامل یا عواملی بستگی پیدا میکند ؟ اگر افزایش مخارج دولتی باعث افزایش اشتغال و درآمد گردد ، لکن مصرف‌کننده نسبت به این تغییر

$$\text{Marginal Propensity to Consume (MPC)} \quad (1)$$

$$\frac{1}{1-\text{MPC}} \quad (2)$$

درآمد بدلالی بی تفاوت بماند - آنرا فرصتی موقتی بدانند که پایدار نخواهد ماند یا درآمدی بادآورده که همیشگی نخواهد بود - آنگاه میل نهائی به مصرف صرف خواهد بود و طبعاً "افزایش پایداری در درآمد ملی را باعث نخواهد شد. چنانچه مصرف کننده نسبت به تغییرات درآمد بی تفاوت نماند، لکن پاسخ او به این تغییرات بسیار آهسته و محتاطانه باشد. در اینکه این افزایش درآمد، شایسته دل بستگی و اتکال باشد اطمینان ندارد و آزمون میکند - با زهم، عملکرد ضعیب فزاینده بسیار کند خواهد بود و ممکن است نتایج آن در زمان مناسب (مورد انتظار) پدید نیاید و یا اینکه در زمان غیر- مناسب پدید آید (مثلاً) هدف از اتخاذ سیاست افزایش مخارج دولتی، مقابله با رکود اقتصادی بوده، لکن نتیجه آن در زمانی بروز کرده است که نه تنها در جامعه رکودی نیست بلکه اقتصاد جامعه با افزایش تقاضا نیز مواجه میباشد).

بدین ترتیب استفاده از اهرم ضریب فزاینده جهت نیل به اهداف سیاستهای مالی دولت، موقوف به واکنش مصرف کننده درقبال افزایش درآمد میگردد. مطالعه و پیش بینی این واکنش در برخوردی عمیق تر، تحقیق در الگوی مصرف و درآمد در جامعه را ایجاب مینماید.

"تحلیلی بر سیر مصرف و درآمد"، ضمن روشنگری های کمی که در راستای شناخت پدیده مصرف در گروه های عمده مردم بوجود میآورد، بطور جانبی به شناخت متغیرهای گوناگون مطرح در الگوی

مصرف نیز کمک مینماید . روندهای مصرف و درآمدچنانچه در دوره - های مطالعاتی میان مدت به تحلیل کشیده شوند - البته تحلیسل درست - به شناخت و توجیه رفتار و واکنش های مصرفی مردم کمک شایانی مینمایند .

بدنبال ارائه تحلیلی بر سیر مصرف و درآمد شهرنشینان در فاصله سالهای ۱۳۵۳-۱۳۶۴ در شماره ۵ نشریه بررسیهای بازرگانی داخلی، در این مقاله به تحلیل سیر مصرف و درآمد روستانشینان پرداخته میشود. اما قیلا از سوار کردن هرگونه تحلیلی بر ارقام بدست آمده، ارائه توضیحی درباره تفاوتها و تهای اساسی شهر و روستا که مسلما " تفاوت معنی داری در رفتار مصرف کنندگان در این مناطق را بهمراه دارد، ضروری است .

تعداد دروستاهای کشور نسبت به شهرهای آن به مراتب زیادتر است همین پراکندگی بسیار، از تراکم جمعیت در این مناطق کاسته است . جمعیت روستاهای کشور گرچه با نرخ رشد طبیعی بالایی در افزایش بوده است، اما بسیاری از فرزندان روستا، دامان آنرا ترک و به شهرها مهاجرت کرده اند . بدین ترتیب رشد واقعی جمعیت در روستاها بسیار پائین تر از شهرهای کشور بوده و دارای نرخ ناازل است (۱/۱ درصد در فاصله دوسرشمازی ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵) .

جمعیت مهاجر، اغلب جوان و فعال بوده، در گروه سنی ۱۵ الی ۴۰ سال قرار دارد . بنابراین، سهم این گروه از جمعیت در مناطق روستایی بسیار پایین است . (۱) مرکز آمار ایران . برآورد جمعیت شهرستانهای کشور

۱۳۵۶ - ۱۳۶۲ . تهران : ۱۳۶۱ .

با ثین برا مناطق شهری کشور است .

۱۵ تا ۴۰ سالگی دوره ایست که در آن اغلب انسا نها تشکیل خانواد ه جدیدی داده ، نوان دست و پنجه نرم کردن با مشکلات عدیده زندگی را دارا میباشند . در این سنین ، انسا ن فطرتا " امیدوار تر است ، مگر اینکه شرایط و حوادث ، او را پذیرای یأس سازند . گروه های سنی بالای ۴۰ سال و پائین تر از ۱۵ سال اصولا " محتاط تر و بیشتر تابع هستند . بویژه در روستا ها ، کودکان و جوانان زیر ۱۵ سال تا زمانیکه زندگی مستقلی را شروع نکرده اند ، تابع تصمیمات پدر یا بزرگ خانواده هستند و در سنین بالای ۴۰ سال ضعف مزاج ، اغلب اثرات منفی خود را بر رفتار انسا نها آشکار میسازد .

بطور کلی تغییرات جمعیتی و روانشناسی جامعه روستا ئی کشور ما تا حدود زیادی متا ثرات تغییرات اجتماعی - اقتصادی پس از سالهای ۱۳۴۱ است . با شروع مرحله اول اصلاحات ارضی در کشور ما - که بیش از آنچه اقتصادی - اجتماعی باشد اساسا " پدیده ای سیاسی و در جهت از بین بردن روستا بعنوان واحدی خودکفا و خودمدیر بسود - اساسا " نقش کشاورزی در اقتصاد مملکت روبه افول گذاشت . پس از افول قدرت مالکین و خا نها ، زندگی و درآمد خانوار کشا و رزتنها تحت تاثیر نوسانات عوامل طبیعی فرارنداشت ، بلکه با زار و سیاستهای دولت در مورد کشا و رزی - قیمت گذاری محصولات اصلی ، بیمه محصولات و ... نیز از آن پس بسیار بیش از پیش علیه او وارد عمل شدند . این جریانات مدام ادامه داشت ، اما سیر آن نسبتا " کند بود . با افزایش درآمد نفت در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۳ و تزریق آن در اقتصاد کشور ، فرصت های درآمد و اشتغال در مناطق شهری آنچنان زیاد شد که بخش کشاورزی

مناطق روستائی و بویژه کشاورزی دهفانی کشور- که اکثریست خانوارهای روستائی را دربرمیگیرد- با تمامی عظمت جغرافیائی خود، درکل اقتصاد، ضعیف و ضعیف تر شد و سهم آن نسبت به سایر بخشها در اقتصادکشورپائین آمد. بطوریکه حتی موفقیت های کشاورزی تجاری که با پشتوانه سرمایه و برنامه های دولتی بدست میآمد، نتوانست استضعاف حاکم بر کشاورزی دهفانی کشور را حتی درآمارواقام رسمی جبران نموده و موقعیت آنرا درکل اقتصادکشورلاقل حفظ نماید.

بدین ترتیب شرایط روستا در دوره (۱۳۵۳-۱۳۵۶) که رفتار مصرف کنندگان روستائی کشور را متأثر ساخته است، را میتوان چنین جمع بندی نمود:

- برخلاف وعده های رژیم گذشته، اصلاحات ارضی برای روستا ثیلن خوشبختی بیارنیاورد، بلکه وضع زندگی در روستاها را هر سال دشوار و دشوارتر و بدتر ساخت. در حالیکه وضع اشتغال و درآمد در شهرها و در فعالیتهای غیر کشاورزی بهبود می یافت، چهره روستا از لحاظ جمعیتی نه تنها پیرتر از سابق، بلکه تا حدود زیادی پیسر شده بود، در حالیکه چهره شهرها جوان و جوانتر میشد. در امکان برخورداری از تسهیلات زندگی، مناطق شهری هر روز از مناطق روستائی جلوتر میافتاد و روستا های کشور با کاهش سرمایه گذاری در آن، روبه محاء میرفت. تبلیغات مصرفی و امکان برخورداری از تسهیلات و رواج بی بندوباری در جوانان، همه و همه موجب ضعف اخلاقی و دوری هر چه بیشتر از عرف و سنت در شهرها شد، در حالیکه روستاها گرچه از طریق رادیو-اساساً- تا حدودی در جریان فرهنگ تبلیغاتی قرار می گرفتند، لکن جو، شرایط و ساخت، همه و همه موجب پایداری بیشتر عرف و سنت در روستا

بود. بدین ترتیب، در مجموع، در این دوره، مصرف‌کننده روستائی نسبت به آینده اعتماد و اطمینان چندانی نداشت. او بیشتر خراب شدن و سلاشی شدن را دیده بود و میدید، بدون اینکه در کنار آن سازندگی زندگی نوینی را مطمئن شده باشد. در حالیکه این امید و اطمینان بآینده حتی اگر کاملاً هم بود، در اغلب مصرف‌کنندگان شهری کم و بیش وجود داشت. هر چند اندک و دیر، ولی بندریج ناشی از امواج درآمد چند برابر شده نفت، روستاها را نیز در بر می‌گرفت. برای روستائیان و بویژه ساکنین روستاهای اطراف شهرها، منابع درآمد دیگری بوجود آمد، که اغلب اوقات، اگر درآمد حاصل از کشاورزی را تحت الشعاع قرار نمیداد، لاقلاً سهم مهمی از درآمد خانوار را تشکیل میداد. بعلاوه مهاجرت به شهرها و اشتغال جوانان در شهرها، خود همراه با مقداری درآمد انتقالی بود که روانه روستاها میگردد و با اینکه فرزندانی که برای ملاقات خانواده به روستا می‌آمد، برای آنها از لوازم خانه و تسهیلات زندگی چیزی با خود سوغات می‌آورد. بطور کلی میشود گفت که به موجب ماهیت موقتی درآمدهای انتقالی و یا حاصل از فعالیت‌های غیر اصلی، تا شریک‌گونه درآمدها بر مخارج غیر خوراکی شدیدتر از مخارج خوراکی بوده است. در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۹، گرچه رشد بخش کشاورزی بسیار کمتر از متوسط سالیانه دوره فیل بود (۲ درصد در مقابل متوسط ۵ درصد) اما سهم آن در تولید ناخالص ملی و اقتصاد کشور برخلاف دوره قبلی رو با افزایش گذاشت. علاوه بر این زمینه اقتصادی، پیروزی انقلاب اسلامی که با خود وعده پیروزی مستضعفین را بارمغان می‌ساخت، روستائیان را دگرگون کرده، بآینده امیدوارتر ساخت. کاهش

تولیدات صنعتی در دوران انقلاب، کاهش فرصت‌های شغلی و درآمد در مناطق شهری و امنیت نسبی مناطق روستایی در این دوره، بر اهمیت روستا نسبت به شهر افزود و سهم آن در اقتصاد کشور رو به افزایش گذاشت. نرخ مهاجرت، روندی کاهنده یافت. در این دوره، جهاد سازندگی شروع به تحقق نوپدهای انقلاب اسلامی در روستا نمود. جاده، گرما به، مسجد، چاه و قنات و نظایر آن احداث نمود و کلاً "بسر جاذبه‌های زندگی در روستا افزوده شد، اما سطح درآمد و اشتغال سال بهبود نیافته، بلکه نسبت به گذشته پایین آمد. وعده‌های ناستنجیده برخی از مسئولین، داتر بر تامين مسکن برای کلیه ساکنین تهران و واگذاری زمین با فراد، از انگیزه‌های جدید مهاجرت به تهران بود و نرخ مهاجرت روستایی را تشدید نمود. انقلاب باعث گردید که روستائیان بیش از پیش با تسهیلات رفاهی آشنا گردیده، حسس بر خورداری از آنها را مطالبه نمایند. بعبارت دیگر، یک تا نپسر انقلاب، گسست از دوگانگی شهر و روستا و کاهش فاصله آن دوازی یکدیگر بوده است که در جای خود و بسهم خود، شباهت و نزدیکی رفتسار و من جمله رفتار مصرفی شهر و روستا را ایجاد کرده است. این تنها بدان معنی خواهد بود که میل متوسط به مصرف در مناطق روستایی، بالقوه رو به افزایش بوده است. کاهش صادرات نفت در سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و بویژه در سال ۱۳۵۹، از علل اساسی کاهش تولیدات داخلی، اشتغال و درآمد در کشور بود. در سال ۱۳۵۹، وقوع جنگ تحمیلی علاوه بر تشدید کاهش در صادرات نفت، محدودیت واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای را بدنبال داشت، که نهایتاً به سهمیه بندی کالاهای اساسی در کشور منجر گردید.



سهامیه بندی دارای پیام معینی است که بدون تبلیغ علنی نیز اثر بخش است. سهامیه اگرچه مصرف عده‌ای را محدود می‌کند، اما میزان معینی را بعنوان مصرف همگانی تبلیغ می‌نماید. سهامیه حقی است که عینیت مادی دارد، یعنی خود چون سندی بها دار قابل واگذاری است. سهامیه بندی در حد مقرر، رئیس خانوار را قانع به خرید کالامینماید و به مرور از نقش اراده فرد در تصمیم‌گیری نسبت به خرید و یا عدم خرید کالا بنبغ تا بعینت از رفتار عمومی می‌کاهد. بدون شک، سهامیه بندی در جلوگیری از کاهش میل به مصرف در مناطق روستائی موثر بوده و در مجموع عامل خوش بینی بیشتر در روستائیان شده است. از اواسط سال ۱۳۶۰ که جنگ تحمیلی بنفع کشورمان تغییر جهت پیدا کرد، شاخصهای اشتغال و تولید نیز روند صعودی خود را بازیافتند و بدنبال آن تا سال ۱۳۶۳، کشور اساساً "مواجه با رونق اقتصادی بود. در فاصله سالهای ۶۳، ۶۲، ۶۱، ارزش افزوده بخش کشاورزی از درصدهای رشد ۷ و ۱۱ برخوردار شد. صادرات نفت رو با افزایش گذاشت و درآمد ارزی قابل توجه، واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای هرچه بیشتر را به همراه داشت. دادوستد کالارونق گرفت و با زار پیر زرق و برق از کالاهای گوناگون، همراه با سر بلندی و اعتماد بنفسی که در اثر پیروزی‌های مستمر رزمندگان، هر روز بیشتر تقویت می‌گردید، بیش از پیش، پرستری گردید. مصرف کاذب وجود داشت اما مصرف واقعی افزایش یافته بود و نمیتوان بایسک نتیجه‌گیری ساده مبنی بر کاذب بودن کل حرکت‌های مصرف، شانه‌ان ارائه تحلیلی واقع بینانه در این مورد خالی نمود. اقدام به خرید

(۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی.

وتهییه ، پیش از زمان نیاز اقتصادی ، گسترش یافت ، اما این امر اساساً " بدلیل نارسائی های شبکه توزیع بود . مصرف کننده نسبت به عرضه کالا در زمان مناسب - زمان طرح نیاز او - اعتمادی نداشتند اما از حیث درآمد در اطمینانی وجود داشت که از عهده پرداخت قرض ها و بدهی های ناشی از اینگونه خریدها بر خواهد آمد . تورم و رونق غالب ، توجیه اقتصادی چنین درکی از آینده بود و هست . اما آنچه مسلم است ، دامنه و شدت این فعل و انفعالات در مناطقی روستائی ، محدودتر از مناطق شهری بوده است و در مورد روستا ، اساساً " نوسان تغییرات و بویژه تغییر در رفتار مصرفی که پیوند تامی با فرهنگ مردم دارد ، کندتر است . لذا در مجموع باید منتظر رونق و پایداری در مصرف روستائیان کشور باشیم .

هزل با استفاده از جداول و نمودارهای ارائه شده در پایان مقاله میتوان تحلیل های فوق را دقیقتر ساخت .

در جدول (۱/۱) نرخ رشد سرانه تولید ناخالص ملی در دوره ۱۳۵۳-۱۳۵۶ بطور متوسط سالانه ۴/۵ درصد بوده است . اما در همین دوره ، برخلاف مناطق شهری ، نرخ رشد مصرف سرانه در مناطق روستائی بسیار کندتر از آن و در حد یک درصد ، محدود بوده است . نگاهی به قدر مطلق ارقام هزینه رفی خانوار شهری و روستائی و مقایسه آنها با یکدیگر نشان میدهد که امواج توسعه و اثرات افزایش درآمد نفت بیشتر نصیب مناطق شهری گردیده و در این مدت شکاف بین شهر و روستا افزایش یافته است ، بطوریکه مخارج مصرفی روستائی بصورت

(۱) ر.ک . به موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، "تحلیلی بر سیر مصرف و درآمد (۵۳-۶۳) -۱ شهرنشینان" ، بررسیهای بازرگانی داخلی شماره ۵ .

درصدی از مخارج مصرفی شهری به ترتیب ارقام ۵۲، ۵۶، ۴۶، ۵۲ و ۵۲ درصد را برای سالهای ۵۹، ۵۶، ۵۳ و ۶۳ ثبت کرده است.

افزایش متوسط سالانه یک درصد در هزینه های مصرفی سرانه فرد روستائی در مقایسه با ۴/۵ درصد افزایش متوسط سالانه در سرانه درآمد ملی (تولید ناخالص ملی) و نرخ ۵/۲ درصد رشد سالانه در سرانه مصرف در مناطق شهری گویای همان جو مایوسانه در روستا است، که بدان اشاره گردید. افزایش حاصل از درآمد خانوار روستائی عمدتاً حاصل افزایش درآمدهای انتقالی، افزایش درآمدهای ناشی از کارگری و فعالیتهای غیرکشاورزی بود. این درآمدها عمدتاً "مصرف تهیه کالاهای بادوام، اثاثیه و لوازم خانه و بعضاً" لوازم تحصیل و حمل و نقل گردید، بطوریکه نرخ رشد سالانه هزینه های غیرخوراکی ۲/۴۸ درصد ثبت گردید، درحالیکه هزینه سرانه خوراکی در این مدت، سالانه رشدی منفی نشان داد. اینکه تغییر هزینه های مصرف خوراک در روستا بسیار کند است، بدلیل ذیل پذیرفتنی است:

- در بسیاری از روستاها، خود مصرفی هنوز دارای اهمیت است و اهمیت آن لااقل در مورد گندم، برنج و حبوبات قابل توجه میباشد. بدان معنی که روستائی سهم عمده مصرف خود از این کالاها را از تولیدات خود تامین مینماید و بنا براین، تغییرات مصرف آنها بسیار محدود است.

- گرچه با ایجاد راه، ارتباطات و تقویت زیربنای لازم جهت توسعه، روستا را واحدی بسته نمیتوان شمرد، اما فرهنگ روستائی هنوز خود بسنده و خود محور است. بنا براین پیدایش

ورسوخ مصرف‌های متنوع در روستا پسندیده و یا ب‌نیست و انعطاف روستائی در برابر تنوع خوراک و تغییر شیوه تغذیه زیاد نیست، زیرا تغییر شیوه تغذیه با تغییر شیوه کشت و تولید نیز تا حدودی ملازمه دارد (در شهرها اغلب چنین نیست).

بنا بر این، افزایش درآمد در این مناطق بیشتر و سریع‌تر جذب هزینه‌های غیر خوراکی می‌گردد. زمینه افزایش هزینه‌های غیر خوراکی مساعدتر است زیرا با توسعه سرمایه‌گذاری‌های زیربنائی در روستا، زمینه برخورداری از تسهیلات مرتبط با آنها و "آلا" ایجاد هزینه‌های لازم هر روز وجود می‌آید.

در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۹، سطح تولید و درآمد سرانه، نزدیک به ۱۴ درصد در سال تنزل می‌یابد. در شهرها، متعاقباً این کاهش در سطح درآمد، مصرف نیز با تخریب پائین تر کاهش یافت، اما در مورد مناطق روستائی، بالعکس، علیرغم کاهش درآمد، هزینه مصرفی کاهش نیافت، بلکه تنها سرعت افزایش آن کندتر گردید. گرچه هزینه‌های خوراک در این دوره با نرخ  $\frac{2}{8}$  درصد کاهش یافت (در برابر  $\frac{9}{4}$  درصد کاهش در مناطق شهری) اما هزینه‌های غیر خوراک بارشده  $\frac{3}{4}$  درصد در سال رو به رو بود. در واقع میتوان گفت که در سالهای پیروزی انقلاب و مبارزات انقلابی و سپس شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، "اولاً" روستائیان بشدت شهریان از مخارج خوراک خود نکاسته- اند و ثانیاً "رشد مخارج غیر خوراکی حاکی از آنست که روستائیان کشور بدلیل پیدایش امکانات استفاده از تسهیلات زندگی و خدمات بهداشتی و رفاهی در روستاها، هزینه‌های مصرف اینگونه کالاها و خدمات را با سرعتی بیش از گذشته افزایش داده‌اند. نمودار همبستگی

درآمد مصرف نشان میدهد که علیرغم کاهش سرانه تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۵۹ به میزان ۳۴ درصد نسبت به سال ۱۳۵۶، مصرف در سال مزبور از سطح مصرف در سال ۱۳۵۶ نیز بالاتر قرار گرفته است. یعنی نه تنها از مسیر رفت ۱۳۵۳-۱۳۵۶، بازگشت نکرده است، بلکه حتی از نقطه اوج ۱۳۵۶ نیز بالاتر رفته است. این روند بندرت اسعاق میافند و اگر خطای آمارگیری را منافی بدانیم، تنها دلیل قانع کننده آن در روستاهای کشورمان، میتواند شناخت بیشتر روستائیان از نیازها و افزایش امکانات و فرصتها جهت ارضاء مطلوبیتهای باشد. لزوم ستردن گرد محرومیتها از چهره وافق روشنتر برای پیروزی مستضعفین به همراه امکانات و فرصتهای زیربنائی بیشتر، سایه اندوهبار کاهش سطح درآمد را کمرنگ ساخته، هزینههای بیشتری را در راه ارضاء اینگونه نیازمندیها موجب شده است.

از اواسط سال ۱۳۶۰، سرمایه گذاری، اشتغال، تولید و درآمد در کشور سیری صعودی گرفت. بدنبال این تغییر، مصرف سرانه در شهرها بطور متوسط هر سال ۴/۵ درصد افزایش یافت، اما در مناطق روستائی، این افزایش به ۲/۲ درصد محدود گردید. مخارج خوراک رشد یافت و رشد آن رقم ۲/۴ درصد را در برابر رشد ۲ درصد در مخارج غیر خوراک به ثبت رساند. این روال، عکس دوره های قبل اتفاق افتاد که عوامل زیر در پیدایش آن موثر بوده است.

- شروع سهمیه بندی کالاهای اساسی - همچنانکه قبلاً شرح داده شد. شرایط افزایش مخارج خوراک روستائیان را بطور عینی فراهم آورد و بعنوان اقدامی دلسورانه چنان جائی برای خود تثبیت کرد که تا حدود زیادی سنتهای دیرپای خوراک را دچار تردید ساخت. بهر

جهت ، عدم استفاده از کوپن مواد غذایی ، اغلب مطلوب و معمول نیست . افراد سعی دارند آنها حداقل بیانگارند و نه مقدار لازم و مورد نیاز و کمتر کسی رضایت به زندگی حداقل را اعتراف می نماید . لذاست که جو اجتماعی غالب در شرایط سهمیه بندی ، حداقل استفاده از مقرری سهمیه را برای اغلب افراد الزامی می سازد ، در حالیکه سهمیه تعیین شده ممکن است در واقع بیشتر از مصرف معمول یک فرد باشد .

– تحمل سوبسید برای کالاهای اساسی از سوی دولت که عملاً ارزانی مصنوعی این کالاهاست ، نیز از جمله عواملی است که در خود تشویق به مصرف آنها بوده ، ضربه‌ای به خود کفائی و خود مصرفی است (۱) .

– از عوامل مهم افزایش هزینه غیر خوراک در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۹ و ۱۳۵۹-۱۳۶۳ ، افزایش هزینه واقعی مسکن در سالهای مزبور بوده است . در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۹ رشد سالانه هزینه‌های واقعی مسکن بطور متوسط ۲۱ درصد و در سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۳ ، متوسط سالانه ۸/۸ درصد بوده است . رقمی که از افزایش متوسط ۲ درصد در سطح کشور بسیار بالاتر بوده ، تلاش رو بگسترش روستائیان را در بهبود ساختمان و ساختمان سازی در سالهای مزبور نشان میدهد .

---

(۱): منظور به هیچ وجه نفی جنبه های مثبت سوبسید و توسعه مصرف کالاهای اساسی نیست ، که این مباحث ، بحثی وسیع و جداگانه را می طلبد .

- در سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۳، دشواری تهیه مصالح ساختمانی از حجم فعالیت‌های ساختمانی و مآلا" هزینه های آن در روستاها کاست. رشد هزینه آب و برق و سوخت نیز یائین آمد. اینها مآلا" رشد هزینه های غیرخوراک را به ۲ درصد در سال محدود ساخت و بهمین دلیل امکان افزایش بیشتر هزینه‌های خوراکی فراهم آمد. کلا" در دوره آخر، مصرف، شایان تراز گذشته رشد یافت و کشش درآمدی مصرف در روستاها افزایش یافت و تغییراتی در الگوی خوراک نیز حادث آمد. ارزایی نسبی کالاهای اساسی سهمیه بندی شده، مصرف آنها را افزایش داد ولی از آنجا که کشش پذیری مصرف اینگونه از کالاهای محدود است، بودجه بیشتری جهت مصرف بیشتر نوشابه، غذاهای آماده، دخانیات و برخی از کالاهای غیر خوراکی باقی ماند.

رشد سالیانه هزینه گوشت، لبنیات و تخم مرغ و قند و شکر به ترتیب ۴/۱، ۵/۵ و ۷/۹ درصد بود، در حالیکه هزینه نوشابه و غذاهای آماده، سالیانه به ترتیب ۶/۲۲ و ۷/۲۲ درصد رشد را ثبت کردند. در بخش غیرخوراکی‌ها، سهم عمده افزایش هزینه‌ها همچنان بعهده مسکن، درمان و بهداشت، سوخت و آب و برق بود، با این تفاوت که نسبت به دوره قبل از اهمیت مسکن و سوخت و آب و برق بمقدار معتنا بهی کاسته شد، که نهایتاً " کاهش نسبی نرخ رشد غیرخوراکیها نسبت به دوره قبل را موجب گردید.

مقایسه سیر درآمد و مصرف نشان میدهد که مقاومت مصرف کنندگان روستائی کشور در برابر کاهش درآمد، نه تنها

بیشتر از شهرنشینان، که حتی از آنچه که فرضیه درآمد-نسبیتی<sup>(۱)</sup> (R I H) بیان می‌دارد نیز قوی‌تر بوده است.

بدین ترتیب، درک رفتارهای مصرفی روستائیان کشور بدو ن در نظر گرفتن توضیحات قبلی دشوار مینماید. این مطلب در اغلب کشورهای عقب‌نگهداشته شده صادق است، که تلاش دولت‌ها برای رفع محرومیت‌های اولیه در مناطق فقیر، معنایی جز این نمیتواند داشته باشد که مصرف سرانه بسیاری از کالاهای خدمات افزایش یا بدویا اساساً "بوجود آید". تکرار این مطلب، از آنجا که مشخصه مستضعفین اینگونه جوامع است، نباید برای خوانندگان خسته‌کننده باشد.

خلعت رفتار مصرفی در روستاها نباید نگران‌کننده باشد، بلکه باید هشدار دهنده باشد، که همراه با افزایش سرمایه‌گذاریهای زیر-بنایی و آگاهی بیشتر روستائیان نسبت به زندگی بهتر و سالم‌تر، دولت تلاش نماید که از طریق بهبود و افزایش درآمد و توزیع عادلانه آن در مناطق شهری و روستایی، امکان واقعی برخورداری از زندگی بهتر را برای روستائیان کشور فراهم آورد.

---

Relative Income Hypothesis. i (1)

برای توضیحات بیشتر مراجعه کنید به مقاله مندرج در پانویس صفحه ۱۲. منابع و ماخذ:

- 1- Wykoff, Frank. Macroeconomics, 2nd edition, 1961.
۲. کلیه آمار و اطلاعات پایه که در متن و جداول موجود است از مرکز آمار ایران اخذ شده است.
۳. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، "تحلیلی بر سیر مصرف و درآمد (۵۳-۱۳۶۳) - شهرنشینان، بررسیهای بازرگانی داخلی، شماره ۵.
۴. برآوردها و نرخ‌رشدها از گروه تحقیقات بازرگانی داخلی موسسه است.



جدول شماره ۱ - سرانه تولید ناخالص ملی ( درآمد ) و هزینه های مصرفی روستایی به قدمتهای شان سال ۱۳۵۳

واحد: ریال

سال	شرح	۱۳۵۲	۱۳۵۶	۱۳۵۹	۱۳۶۳
سرانه ن.م		۹۶۶۴۰	۱۱۰۳۹۸	۷۰۲۴۰	۸۳۴۲۶
سرانه هزینه مصرفی روستایی		۲۵۶۸۴	۲۶۴۹۳	* ۲۶۶۳۹	۲۹۰۶۷

\* برآورد است. از آنجا که هزینه و درآمد خانوار روستایی در سال ۱۳۵۹ آمارگیری نشده است، لذا رقم مزبور از طریق برآورد هزینه خوراک و غیرخوراک برای سال مزبور، برآورد گردیده است. اضافه میشود که ابتدا هزینه های برآورد گردیده بین اقلام مختلف هزینه به نسبت متوسط سهم هزینه هریک از اقلام در کل هزینه در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۶۱ توزیع شده، سپس هزینه هریک از اقلام با استفاده از شاخص خاص خاص خود به قیمت ثابت تعدیل و جمع آنها بعنوان هزینه قیمت خوراک و غیرخوراک به قیمت ثابت ثبت شده است.

جدول شماره ۱/۱ - نرخ رشد متوسط سالیانه مصرف و درآمد واحد: درصد

دوره	شرح	۱۳۵۲-۱۳۵۶	۱۳۵۶-۱۳۵۹	۱۳۶۳-۱۳۵۹
سرانه ن.م		۴/۵	-۱۴/۰	۴/۴
هزینه های مصرفی فرد روستایی		۱/۰	۰/۲	۲/۲

جدول شماره ۲- هزینه سالانه خوراک و غیر خوراک یک فرد  
روستائی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۵۳  
واحد : ریال

سال	شرح	۱۳۵۳	۱۳۵۶	۱۳۵۹*	۱۳۶۳
	خوراک	۱۴۱۲۳	۱۴۰۵۱	۱۲۹۰۲	۱۴۲۰۹
	غیرخوراک	۱۱۵۶۰	۱۲۴۴۲	۱۳۷۳۷	۱۴۸۵۸

\* : برآورد است ، که توضیح پائین جدول (۱) مربوط بدانها  
نیز میگردد .

جدول شماره ۲/۱ - نرخ رشد متوسط سالیانه هزینه خوراک  
و غیر خوراک

دوره	شرح	۱۳۵۶-۱۳۵۳	۱۳۵۹-۱۳۵۶	۱۳۶۳-۱۳۵۹
	خوراک	-۰/۱۷	-۲/۸	۲/۴
	غیر خوراک	۲/۴۸	۳/۴	۲/۰

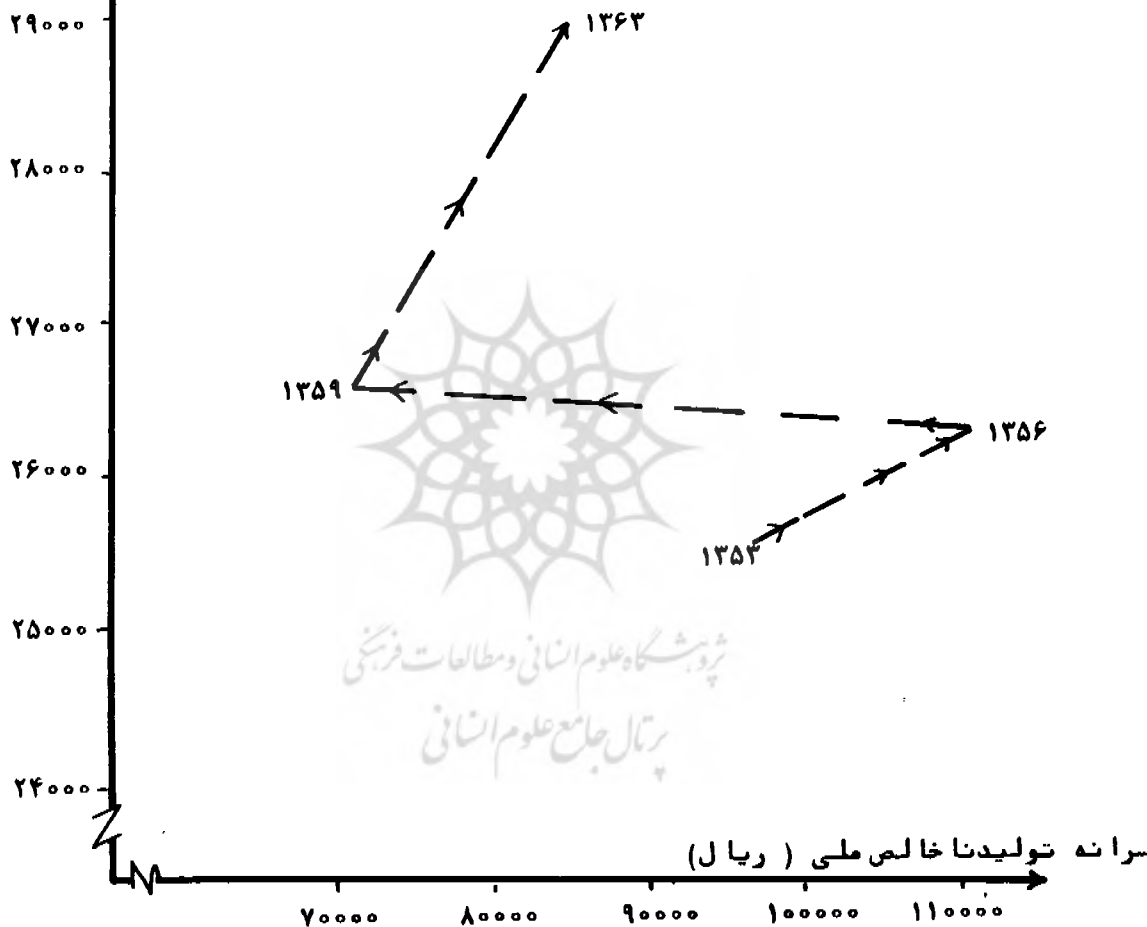
جدول شماره ۳- نرخ رشد متوسط سالانه مصرف اقلام خوراکی و غیر خوراکی

سال	۱۳۵۶-۱۳۵۳	۱۳۵۶-۱۳۵۴	۱۳۵۶-۱۳۵۵
آرد، غلات، نان و رسته	-۷/۶۲۵	-۰/۵	۰/۴
گوشت	۵/۲۴	-۶/۹	۴/۱
لبنیات و تخم مرغ	۸/۷۸۷	صفر	۵/۵
روغنها	۱/۶۷۶	-۱۱	-۲/۷
میوه‌ها و سبزیها	-۰/۷۲۹	-۲/۶	۳
خشکبار و حبوبات	-۱۱/۱	۴/۲	-۴/۵
قند و شکر و شیرینیها	-۳	-۸/۹	۷/۹
چای	۲/۹۹	۷/۷۵	-۱۷/۳
ادویه - چاشنی	۲۷/۹۶۱	-۳/۹	۴/۲
نوشابه‌ها	۱۰/۰۶۴	۵۵/۴	۲۳/۶
غذاهای آماده	-	۲۶/۵	۲۲/۷
دخانیات	۱۴/۲۰۸	-۱۱	۷/۶
پوشاک و کفش	-۰/۳۵	-۰/۲	۱/۹
مسکن	-۱/۷۲۳	۲۱	۸/۸
سوخت و آب و برق	-۱۰/۷۸۸	۱۲/۲	۶/۸
مبللمان و لوازم و اثاثه‌خانه	۱۹/۷۸۵	-۷/۴	- ۰/۳۷
درمان و بهداشت	-۳/۲۰۲	۷/۸	۱۴/۴
حمل و نقل و ارتباطات	۱۶/۲۶۰	-۴/۳	-۳/۱
تفریح و سرگرمی، تعلیم و تربیت	۱/۵۳۸	۴	۳/۲
کالاها و خدمات متفرقه	۰/۶۲۵	۸/۴	-۱۳/۶

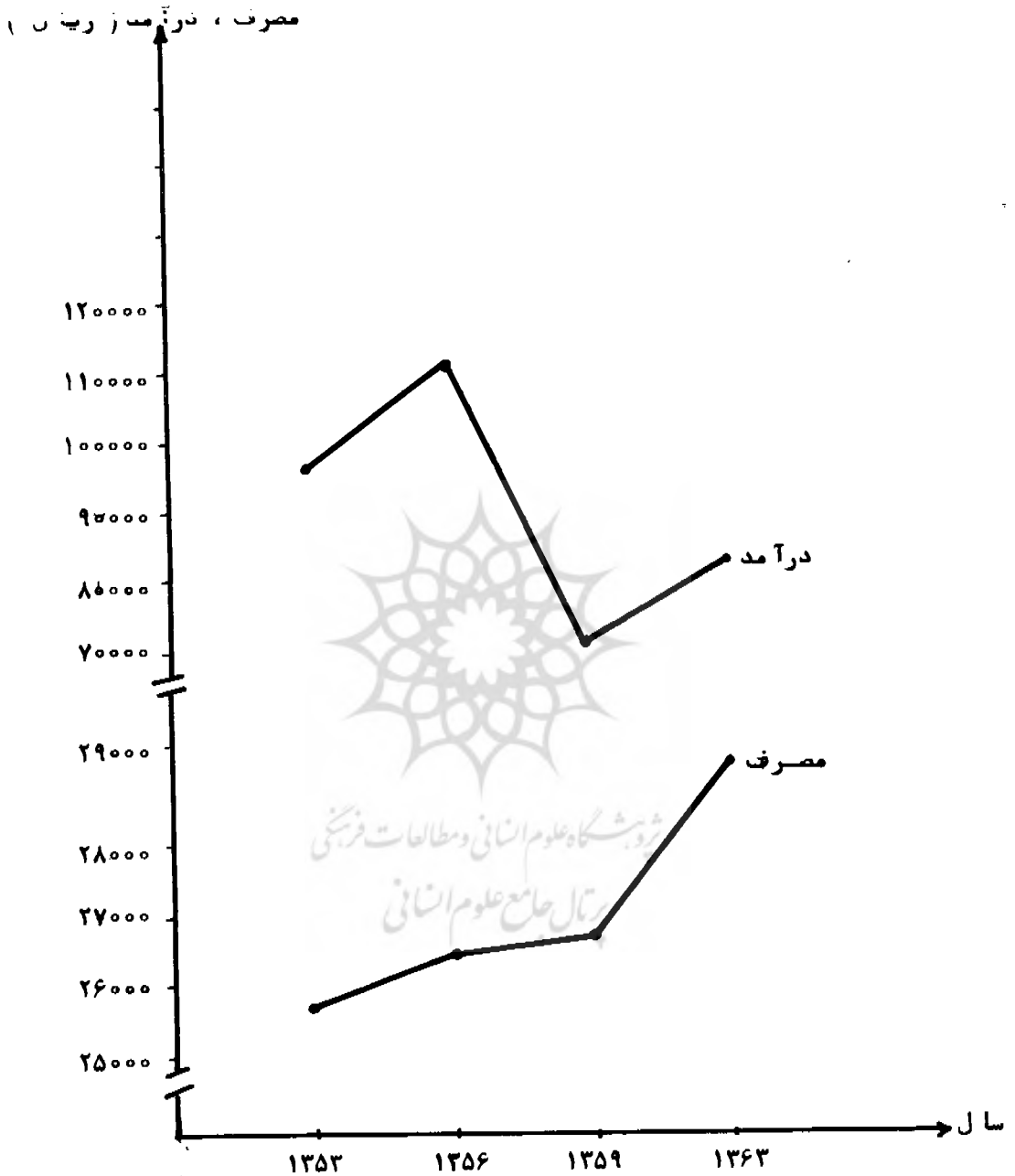
\* : فقدان رقم هزینه برای سال ۱۳۵۳ مانع از محاسبه شده است .  
 براساس ارقام هزینه و تبدیل آنها به هزینه قیمتهای ثابت  
 سال ۱۳۵۳ بدست آمده است .

نمودار شماره ۱- روند تغییرات مصرف نسبت به درآمد در سالهای  
مورد بررسی (قیمتهای ثابت سال ۱۳۵۳)

مصرف سرانه در روستاها (ریال)



نمودار شماره ۲- روند تغییرات مصرف سرانه روستائی و درآمد سرانه در کشور بر قیمت‌های ثابت



نمودار شماره ۳- روند تغییرات مصرف خوراکیها و غیرخوراکیها  
در سالهای مورد بررسی

مصرف خوراکی و غیرخوراکی (ریال)

